

# a

## حقوق جزای اختصاصی ۱

جرایم علیه اشخاص

بر مبنای کتاب دکتر میرمحمدصادقی

تدوین کننده: امین بخشی زاده

www.ACADEMY.blogfa.com

**www.ACADEMY.blogfa.com**

<p>توضیح اینکه اولی در قصوص جنایات علیه نفس و دومی جنایات علیه مادون نفس می باشد</p>	<p>➤ ماده ۲۰۶ ق م ا ➤ ماده ۲۷۱ ق م ا</p>	<p>عناصر قانونی</p>
<p>در همه ی موارد مذکور وجود رابطه ی انتساب مهمترین شرط مسئولیت مرتکب است</p>	<p>❖ عمل مادی و غیرمادی ❖ مباشرت و تسبیب ❖ فعل و ترک فعل</p>	<p>عناصر مادی</p>
<p>لازم به ذکر است که به طور کلی اولی در جرایم عمدی و دومی در جرایم غیرعمدی می باشد</p>	<p>✓ قصد مجرمانه ✓ خطای جزایی</p>	<p>عناصر روانی</p>

❖ ماده ۲۰۶ - قتل در موارد زیر قتل عمدی است:

- الف) مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.
  - ✓ در مرحله ی اول قصور مرتکب مد نظر مقنن است. پس در موردی که مرتکب قصور تنبیه را دارد مطلقاً عمل وی عمدی است چه فعل اتهام شده نوعاً کشنده باشد خواه نباشد.
  - ✓ مینی علیه فاض یا مینی علیه غیرمعین از یک جمع معین باید مد نظر مرتکب باشد در غیر اینصورت عمل «در ملک شبه عمره» مسسوب می شود. مثل تصادفات، رانندگی که طبق رای وحدت رویه شماره ۳۲۲ در ملک شبه عمره مسسوب می شود.
  - ب) مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.
  - ✓ در این بند نوع عملی که مرتکب اتهام می دهد مؤثر قصور اوست که اگر تنبیه در اثر فعل نوعاً کشنده فلتق شود عمل به تبع نوع فعل، عمدی تلقی می شود اگرچه واقعاً قصور قتل در میان نباشد.
  - ✓ قاتل عمداً فعل نوعاً کشنده را انجام دهد نه از روی مستی و فواید آلودگی و ....
  - ج) مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.
  - ✓ در این بند نیز همانند بند «ب» قاتل قصور قتل ندارد و فعلی که اتهام داده است نوعاً و در مقایسه با افراد عاری کشنده تلقی نمی شود لیکن نسبت به طرف مینی علیه با توجه به ضعف های شفصی (نه نوعی) مانند کودکی و پیری و بیماری و ... کشنده مسسوب می گردد.
  - ✓ اینکه گفته شده قاتل به «آن» آگاه باشد منظور این است که قاتل به کشنده بودن فعل نسبت به طرف آگاه باشد نه اینکه به پیری و بیماری و امثال آن ها آگاه باشد.
- 👉 موارد حقوق الاشعار در قصوص جنایات علیه مادون نفس موضوع ماده ۲۷۱ ق.م.ا نیز صادق می باشد.

## ۱. رفتار فیزیکی:

### ➤ فعل و ترک فعل:

- ✓ اگرچه ماده ۲۰۶ ق.م.ا از عبارت «انجام کاری که ...» استفاده نموده است لیکن این صرفاً محدود به فعل مثبت نمی شود و ترک فعل نیز در صورتی که: ۱) تارک قانوناً ملزم به انجام آن بوده و ۲) از روی عمد فعل را ترک کرده ۳) در صورت وجود رابطه ی استناد میان ترک فعل و نتیجه ی حاصله می توان وی را قاتل عمری محسوب کرد.
- ✓ ماده ۲۰۶ و ۲۷۱ در مقام بیان عنصر روانی است نه بیان عنصر مادی؛ پس ترک فعل نیز می تواند موجب تحقق قتل عمد شود.

### ➤ مباشرت و تسبیب:

- ✓ منظور از «مباشرت» طبق ماده ۳۱۷ آن است که بثابت مستقیماً توسط خود بانی واقع شده باشد. مانند ایراد جرح منتهی به فوت
- ✓ منظور از «تسبیب» طبق ماده ۳۱۸ آن است که انسان سبب تلف شدن یا بقاء علیهِ دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب بقاء یا تلف نشود به طوری که اگر نبود بقاء حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.
- ✓ برای مشاهده ی مسئولیت سبب به مواد ۳۱۸ به بعد قانون مجازات اسلامی رجوع کنید.

### ➤ عمل مادی و غیرمادی:

- ✓ عمل مادی مانند ایراد ضرب و جرح یا دادن سم یا فک کردن می باشد و عمل غیرمادی مانند دادن فبر ناکوار کذب به قصد قتل یا ایراد صدمات روحی و روانی یا فریاد کشیدن روی کسی که بیماری قلبی دارد. (رک: ماده ۳۲۵ ق.م.ا)

## ۲. شرایط و اوضاع و احوال لازم:

### ➤ انسان بودن قربانی و زنده بودن او:

- ✓ بقاء بر مرده جرم خاص بوده و ربه آن صرف امور فیزیکی می شود. (ماده ۴۹۴ ق.م.ا)
- ✓ سقط جنین موضوع ماده ۶۲۲ ق م ا موجب تحقق قصاص نیست به چنین نسبت بلکه نسبت به مادر می باشد. (م ۶۲۲ ق م ا)

### ➤ دیگری بودن قربانی:

- ✓ خودکشی و معاونت در خودکشی جرم نیست. ( مگر طبق بند ب ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه ای)
- ✓ مساعرت به خودکشی دیگری با کشتن دیگری در فرخواست او (اوتانازی) متفاوت است.

### ➤ محقون الدم بودن:

- ✓ اثبات اعتقاد نسبت به مهرورالدم بودن قربانی پس از ارتکاب بقاء تغییر ماهیت بقاء از عمری به «به منزله ی فضاء ممض» می شود اگرچه مقتول واقعاً مهرورالدم نبوده باشد. (تبصره ۲ ماده ۲۹۵ ق م ا)
- ✓ محقون الدم بودن، بایر هم در زمان ارتکاب عمل مبرمانه باشد و هم در زمان وقوع نتیجه.

## ۳. نتیجه ی حاصله:

- ✓ در جرایم علیه نفس، ازهاق نفس از بدن نتیجه ی حاصله می باشد و در جرایم علیه مادیون نفس، صدمات و جراحات حاصله.
- ✓ برخی جرایم علیه مادیون نفس مطلق بوده و نیازمند نتیجه نمی باشد مثل حبس غیرقانونی و تهرید و نظایر اینها.
- ✓ حداقل صدمه ی لازم برای تحقق:
  ۱. قصاص : فرارش پوست
  ۲. دیه : تغییر رنگ دادن پوست صورت یا هر عضو دیگر بدن (تغییر رنگ پوست سر طبق ماده ۴۸۴ مؤید ارش است نه دیه).
- ✓ پیش بینی شروع به جرم:
  - شروع به قتل : جرم است.
  - شروع به مادیون قتل : در موارد مصرّحه جرم است. ( مثل شروع به آدم ربایی)

## ۱. جنایات عمدی:

- ✓ ماده ۲۰۶ و ۲۷۱ ق.م.ا در سه بند از عمدی بودن فعل مرتکب سخن گفته است که منظور همان عنصر روانی مرتکب می باشد.
- ✓ همانطور که در عنصر مادی بیان گردید مواد فوق در مقام بیان عنصر روانی است نه بیان عنصر مادی.
- برای عمدی محسوب شدن جنایت باید وجود یکی از موارد زیر ممرز گردد:
- ✓ بند (الف) وجود قصد نتیجه ی خاص در جانی = قصد مستقیم
- ✓ بند (ب) کشنده بودن نوعی (نه اتفاقی) عمل مرتکب = قصد غیرمستقیم مطلق
- ✓ بند (ج) کشنده بودن نوعی فعل مرتکب نسبت به مجنی علیه با ویژگی خاص (مثل بیماری قلبی) به شرط آگاه بودن مرتکب به کشنده بودن آن عمل نسبت به مجنی علیه خاص = قصد غیرمستقیم تبعی

## ۲. جنایات شبه عمدی:

- ✓ در جنایات شبه عمدی عنصر روانی به شکل پیش گفته وجود ندارد و اینکه این جنایات «شبه عمد» نامیده شده است به دلیل وجود عمد مرتکب در فعل، بدون وجود قصد نتیجه می باشد و مرتکب تمام نتیجه را از فعل اتفاقاً (نه نوعاً) کشنده خود نخواسته بود چرا که اگر فعل نوعاً کشنده باشد مشمول بند «ب» مواد فوق الذکر و بنابراین عمدی خواهد بود.
- ✓ هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود بنحوی که اگر آن مقررات رعایت می شد حادثه ای اتفاق نمی افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح «در حکم شبه عمد» خواهد بود. (تبصره ۳ ماده ۲۹۵)
- ✓ منظور از «در حکم شبه عمد» جنایاتی است که ذاتاً یا عمد است یا خطا؛ لیکن به دلایلی مقنن آن را نمی تواند مطلقاً عمد به حساب آورد و حکم جنایت «شبه عمدی» را بدان بار می کند که به آن «در حکم شبه عمد» می گویند. (مثل تبصره ۲ و ۳ ماده ۲۹۵؛ جهت مشاهده تفاوت های موارد گفته شده به دو تبصره مذکور مراجعه شود.)

## ۳. جنایات خطاء محض:

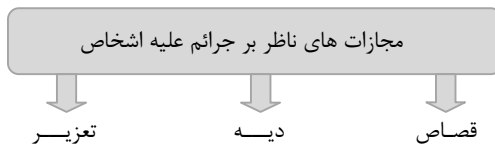
- بند «الف» ماده ۲۹۵ ق.م.ا جنایت خطای محض را بدین صورت تعریف کرده است:
- ✓ قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای محض واقع می شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید.
- ✓ هرگاه کسی به قصد کشتن دیگری با زدن تیر به دست وی داشته باشد لیکن تیر با اصابت به قلب قربانی او را بکشد عمل مرتکب عمدی است زیرا کل اعضای بدن در حکم واحد است و نیز چون قصد قتل وجود دارد. حتی اگر قصد قتل هم وجود نداشت چون عمل نوعاً کشنده است عمدی محسوب می شود.
- در مواردی نیز مقنن عمل مرتکب را «در حکم خطای محض» محسوب کرده و مسئولیت پرداخت دیه را بر عهده عاقله قرار داده است. این موارد عبارتند از:
- ✓ هر گاه کسی در حال خواب یا بیهوشی مرتکب قتل یا نقص عضو دیگری شود جنایت او به منزله ی خطای محض می باشد. (مواد ۲۲۵ و ۳۲۳ ق م ا)
- ✓ جنایت های عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ، به منزله ی خطای محض است. (تبصره ۱ ماده ۲۹۵)

۱. در جنایات شبه عمدی مسئولیت دیه بر عهده ی خود جانی است و با فوت او از اموالش تأدیه می شود.
۲. مسئولیت جبران خسارت در جنایات خطاء محض و در حکم آن بر عهده ی عاقله است.
- ✓ استثنائاً: (۱) دیه ی جراحت های کمتر از موضحه (۲) جراحت های وارد به خود توسط نابالغ و (۳) جبران خسارت های مالی بر عهده ی خود مرتکب است.
۳. عاقله = بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به نحوی که حین الفوت می توانند از ارث صاحب سهم شوند، به طور مساوی ( نه به ترتیب طبقات ارث) عهده دار پرداخت دیه خواهند بود.
۴. خود مرتکب جزء عاقله محسوب نمی شود و تأدیه کنندگان پس از پرداخت دیه حق رجوع به مرتکب را نخواهند داشت.
۵. در جرائم قتل نفس یا نقص عضو اگر جرم ارتكابی عمدی باشد و مرتکب صغیر یا مجنون باشد و پس از بلوغ یا افاقه مرتکب، مجنی علیه در اثر سرایت فوت کند مستوجب قصاص نمی باشد. (تبصره ماده ۲۲۱)
۶. هر گاه کسی در حال خواب مرتکب قتل یا نقص عضو دیگری شود جنایت او به منزله ی خطای محض می باشد. (مواد ۲۲۵ و ۳۲۳ ق م ا)
۷. برای تحقق قتل عمدی، تقارن زمانی و تطابق عنصر مادی و معنوی با نتیجه ی حاصله شرط لازم می باشد.
۸. برخی مواد قانونی که در خصوص جنایات شبه عمد و در حکم شبه عمد سخن گفته است:  
۳۲۷ - ۳۲۸ - ۳۲۹ - بند ب ماده ۲۹۵ - تبصره ۲ و ۳ ماده ۲۹۵ و برخی مواد دیگر.

به طور کلی برای درک بهتر عناصر روانی و انواع مختلف آن در جنایات باید به این موضوع توجه داشت که جنایات:

۱. یا عمدی اند
۲. یا شبه عمدی
۳. یا فطای ممصض

لیکن در بعضی موارد عمل مرتکب در قالب موارد فوق گنجانده نمی شود و مقنن مجبوراً فقط **مکم** آنها را بر عمل مرتکب بار میکند. به طوری که عمل مرتکب یا عمدی است که به دلیل عدم مسئولیت مرتکب در مکم فطای ممصض انگاشته می شود مثل جنایات صغیر یا مجنون و یا فطائی است که در مکم شبه عمد محسوب می گردد. مثل تبصره ی ۳ ماده ۲۹۵ ق.م.ا.



## قصاص

مجازات‌هایی که باید با جنایت ارتکابی برابر باشد و این بارزترین ویژگی قصاص است

❖ شرایط قصاص :

### ۱ تساوی در دین

- ✓ مسلمان در برابر غیرمسلمان کشته نمی شود مگر اینکه مسلمان به این کار عادت داشته باشد که در این صورت نه از باب قصاص بلکه از باب اعدام کشته می شود
- ✓ اگر کافری بعد از کشتن کافر دیگری اسلام بیاورد با توجه به عموم روایت (( لایقتل مسلم بکافر)) قصاص نمی شود.
- ✓ اگر مسمانی بعد از کشتن کافری خود کافر شود باز هم قصاص نمی شود چون در لحظه ی ارتکاب قتل شرایط برابری در دین وجود نداشته است.
- ✓ احکام فوق در خصوص قصاص اطراف (اعضا) نیز صادق است.

### ۲ فقدان رابطه ی ابوت (ماده ۲۲۰)

- ✓ هر گاه مردی همسر خود را بکشد فرزندان آن دو که اولیای دم مقتول محسوب می شوند می توانند تقاضای قصاص پدر خود را بنمایند. (بر عکس موضوع قذف که فرزندان مشترک و نه فرزندان زوجه نمی توانند تقاضای اجرای حد بر پدر خود نمایند.) (صفحه ی ۱۴۲ جلد ۱)

### ۳ تساوی در عقل :

- ✓ عاقل با کشتن دیوانه و دیوانه با کشتن عاقل قصاص نمی شوند.
- ✓ بالغ با کشتن نابالغ قصاص می شود ولی نابالغ با کشتن بالغ قصاص نمی شود

- ✓ هرگاه فرد با ضربه ای که دریافت کرده ابتدا عقل خود را از دست بدهد سپس بمیرد مرتکب قصاص می شود لیکن اگر مجنون شدن شخص مصدوم ناشی از عمل مستقلی غیر از ضربه ی وارده باشد می توان مورد را مشمول ماده ۲۲۲ دانست.
- ✓ هرگاه شخص مجنون با ضربه ای که دریافت کرده ابتدا عقل خود را بازیافته سپس بمیرد مورد از موارد شمول ماده ۲۲۲ و عدم قصاص خواهد بود لیکن اگر بازیافتن عقل در نتیجه ی عامل مستقل دیگری غیر از ضربه ی وارده باشد می توان مرتکب را قصاص کرد.
- ✓ در مورد مجنون ادواری، ملاک زمان حدوث مرگ است یعنی اگر مرگ وی در حالت جنون او رخ دهد قصاص منتفی خواهد بود.
- ✓ پرداخت دیه در فروض فوق در صورتی خواهد بود که مقتول مهدورالدم نباشد والا پرداخت دیه موردی نخواهد داشت.

#### ❖ شرایط انقضای دَرم برای قصاص و تَضَرُّع :

##### ۱ تساوی اعضا در سالم بودن

- ✓ عضو سالم در برابر عضو ناسالم قصاص نمی شود بلکه دیه ی آن عضو پرداخت می شود
- ✓ عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص می شود و در این حالت مازاد دیه وجود ندارد. استثنائاً در ماده ۲۸۴ ق م ا در خصوص چشم پرداخت مازاد نیز پیش بینی شده است

##### ۲ تساوی اعضا در اصلی بودن

- ✓ اگر کسی عضو زاید دیگری را که خود آن عضو زاید را ندارد قطع کند محکوم به دیه خواهد بود.

##### ۳ تساوی در محل عضو مجروح یا مقطوع (ماده ۲۷۵ ق م ا)

- ✓ تبصره ی ماده فوق الاشعار برای دست ها و پاها ( و نه سایر اعضای دوتایی مثل چشم و گوش) احکام خاصی پیش بینی کرده است که بیان می دارد اگر مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پای او ( ظاهراً پای راست) قطع خواهد شد.

✓ مورد فوق حکم خاص می باشد و برعکس موارد فوق امکانپذیر نمی باشد. مثلا نمی شود دست راست را در مقابل دست چپ قطع کرد و همچنین نمی توان دست را در مقابل پا قطع کرد.

#### ۴ عدم تلف نفس جانی یا عضو دیگر وی

✓ اگر امکان مماثله در قصاص عضو نبوده (مثل برخی جراحات عمیق یا شکسته شدن استخوانها یا جابجایی آنها) و احتمال سرایت به نفس یا سایر اعضای وی برود دیه یا ارش (حسب مورد) پرداخت می شود.

#### ۵ بیشتر نشدن قصاص از جنایت ارتكابی

✓ با توجه به این شرط امکان قصاص در جراحات هاشمه و منقله و نیز در شکستن استخوان ممکن نیست و دیه پرداخت می شود.

### کهنکته

همه ی شرایط فوق در فصوص قصاص طرح در مورد قصاص عضو نیز صادق فواهر بود و بالعکس

### کهنکته

برای مشاهده ی شرایط قصاص برقی از اعضای قاص به مواد : ۲۸۳ الی ۲۹۳ مراجعه کنید.

ماده ۲۸۳- هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند یا در آورد قصاص می شود گرچه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و چیزی بعنوان دیه به او داده نمی شود .

ماده ۲۸۴- هرگاه شخصی که دارای دو چشم است چشم کسی را که فقط دارای یک چشم است در آورد مجنی علیه می تواند یک چشم جانی راقصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت نماید ، یا از قصاص یک چشم جانی منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر در صورتی که مجنی علیه یک چشم خود را قبلا" در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آنرا داشته است از دست داده باشد که در این مورد می تواند یک چشم جانی را قصاص کند و یا با رضای جانی نصف دیه کامل دریافت نماید .



## شرایط اجرای قصاص :

- ✓ تقاضای مجنی علیه یا اولیای دم
- ✓ اذن ولی امر
- ✓ اذن مجنی علیه یا اولیای دم
- ✓ پرداخت تفاضل دیه
- ✓ عدم آزار رسانی به جانی

📖 برای اجرای قصاص با اذن ولی امر در قانون مجازات اسلامی ضمانت اجرایی پیش بینی نشده است.

📖 ماده ۲۱۹ - کسی که محکوم به قصاص است باید با اذن ولی دم او را کشت . پس اگر کسی بدون اذن ولی

دم او را بکشد مرتکب قتلی شده که موجب قصاص است

✓ اگر چه بعد از کشتن ، از طرف اولیای دم ماذون یا وکیل گردد لیکن اگر یکی از اولیای دم بدون

اذن بقیه اولیای دم اقدام به قصاص جانی نماید مستحق قصاص نخواهد بود.

📖 در سه مورد تفاضل دیه صورت می گیرد :

✓ تعدد اولیای دم و تفاوت تقاضای آنها: (به جدول شماره ۳ رجوع کنید)

✓ تفاوت در جنسیت قاتل و مقتول : (ماده ۲۵۸ - هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم حق قصاص

قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد.....)

✓ شرکت در ارتکاب جنایت : (ماده ۳۱۲ - هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلمانی را بکشند

ولی دم می تواند با اذن ولی امر همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام

از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام

از آنها سه ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر .)

📖 قصاص با آلت کند ممنوع و مثله کردن (بریدن بینی و گوش) جانی جرم است. (ماده ۲۶۳ ق م ا)

✓ ابزار قصاص باید تیز و غیرمسموم و مناسب با اجرای قصاص و قطع و جرح مخصوص

باشد و ایدای جانی بیش از مقدار جنایت او ممنوع است. (ماده ۲۸۲ ق م ا)

✓ در قانون برای استفاده از آلت کند و ایدای بیش از حد جانی پیش بینی نشده و ظاهراً

مثله کردن او پس از مرگ مصداق جنایت بر مرده را خواهد داشت و اگر این کار قبل از

مرگ وی باشد جنایتی است که خود مستوجب قصاص خواهد بود. (ص ۱۸۰ جلد ۱)

۱. باردار بودن: باردار بودن زن محکوم به قصاص و نیز احتمال تلف طفل حتی بعد از وضع حمل مادر؛ در این صورت قصاص تا برطرف شدن خطر مرگ (نه کمتر از آن) طفل به تاخیر می افتد.
۲. فرار جانی: اگر بعد از فرار بمیرد قصاص تبدیل به دیه می شود که این مورد از موارد سقوط قصاص است نه موانع اجرا. (منظور از مانع اجرای قصاص در اینجا فرار توأم با زنده بودن فرد است.)

۳. اگر محکوم به قصاص فرار کرده و بمیرد قصاص ساقط (و تبدیل به دیه) می شود که دیه او از وراثت (الاقرب فالاقرب) و یا بیت المال تادیه می شود.

۱. از بین رفتن ممل قصاص: اگر محکوم به قصاص در حالت عادی (نه بعد از فرار) بمیرد قصاص و دیه هر دو ساقط می شود.

۲. اگر محکوم به قصاص خودکشی کند قصاص تبدیل به دیه می شود لیکن محل تادیه دیه صرفاً از اموال خود قاتل خواهد بود و به بستگان و بیت المال نمی رسد. در خصوص قطع عضو هم همین حکم جاری خواهد بود. (ر.ک: ص ۱۸۶ م.م.ص)

۳. پس از وقوع جنایت: اگر مجنی علیه پس از وقوع جنایت جانی را عفو نماید و پس از مدتی بر اثر همان جنایت بمیرد اولیای دم حق قصاص نفس را خواهند داشت.

۴. پیش از وقوع جنایت: همان ملاک و ادله ای که مبنای سقوط قصاص در صورت عفو جانی توسط مجنی علیه پس از ارتکاب جنایت و قبل از سرایت آن می باشد، مبنای سقوط قصاص در صورت رضایت پیشاپیش مجنی علیه به ارتکاب جنایت هم خواهد بود.

۲. **بفشیده شدن جانی:**

کجه در این فرض اگر مینی علیه جانی را بدون تصریح در گذشت یا عدم گذشت از دیه، جانی را عفو نماید، فرض بر عدم گذشت بوده و در فواست دیه به اولیای دم به ارث می رسد.

۳. به ارث برده شدن قصاص از سوی قاتل: اگر فرد پدر بزرگ خود را بکشد و مقتول جز پدر همان قاتل وارث دیگری نداشته باشد، سپس آن وارث که در واقع پدر قاتل بوده و تنها مورث مقتول (پدر بزرگ) می باشد نیز بمیرد در این حالت قاتل تمام اموال و حقوق پدر را به ارث می برد که حق قصاص مقتول نیز جزو همان حقوق به شمار رفته و به قاتل می رسد که در آن واحد حق قصاص له و علیه او جریان یافته و موجب سقوط قصاص خواهد شد.

۴. وقوع شبهه: مثل کشتن قاتل از سوی یکی از اولیای دم متعدد بدون اذن سایرین

۵. صدمه به دیگری: شاید تنها مثال بارز قصاص یکی از دو قلوبه های بهم چسبیده باشد که با قصاص یکی، بیم مرگ دیگری نیز برود.

## دیه

در این فصل به بررسی موارد روبرو پرداخته خواهد

۱. تعریف و ماهیت دیه
۲. گونه های دیه
۳. میزان دیه
۴. اقسام دیه
۵. دریافت کنندگان دیه
۶. پرداخت کنندگان دیه
۷. مهلت پرداخت دیه
۸. موارد سقوط دیه

### تعریف و ماهیت دیه

**تعریف:** دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیای دم او داده می شود.

**ماهیت دیه:** از دیدگاه دکتر میرمحمدصادقی با وجود اینکه در دیه جلوه های مختلفی از مجازات مالی نهفته است با این حال دیه تاسیس مستقلی به حساب می آید که در آن واحد دارای ویژگی های مجازات و جبران خسارت می باشد.

دیه در مواردی کیفر اصلی محسوب می شود (مثل عدم امکان اجرای قصاص و نیز جنایات شبه عمدی و خطایی) و در مواردی واکنش بدلی (مثل توافق جانی و مجنی علیه).

### گونه های دیه

- امور ششگانه ی دیه در ماده ۲۹۷ ق.م.ا معین گردیده اند که طبق فتوای مقام رهبری صادره در بخشنامه قوه قضائیه، منحصر به شتر، گاو و گوسفند گردیده است.
- انتخاب نوع دیه (طبق نظریه مشورتی قوه قضائیه) با کسی است که آن را بایستی پرداخت نماید.
- طبق نظریه مشورتی فوق الاشعار، در مواردی که دیه از طرف اولیای دم به عنوان فاضل دیه به قاتل پرداخت شود نیز با خود آنان (اولیای دم) می باشد.

میزان دیه بر اساس...

قتل

مادون نفس

نوع صدمه

✓ عبارتند از صد شتر یا دویست گاو یا هزار گوسفند یا دویست دست لباس یمانی یا هزار دینار طلا یا ده هزار درهم نقره

✓ دیه اتلاف اعضا: ر.ک: به مواد ۳۶۷ الی ۴۷۹ ق.م.ا و نیز ماده ۴۹۴ در خصوص جنایت بر مرده

۱. **حارصه** - خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود: یک شتر
۲. **دامیه** - خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد: دو شتر
۳. **متلاحمه** - جراحی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد: سه شتر
۴. **سمحاق** - جراحی که از گوشت بگذرد و به پوست نازک روی استخوان برسد: چهار شتر
۵. **موضحه** - جراحی که از گوشت بگذرد و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کرده: پنج شتر
۶. **هاشمه** - عملی که استخوان را بشکنند گرچه جراحی را تولید نکرده باشد: ده شتر
۷. **منقله** - جراحی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد: پانزده شتر
۸. **مامومه** - جراحی که به کیسه مغز برسد: ثلث دیه کامل و ۳۳ شتر دیه دارد
۹. **دامغه** - جراحی که کیسه مغز را پاره کند: غیر از ثلث دیه کام ارش بر او افزوده می گردد
۱۰. **جائفه** - جراحی که با هر وسیله واز هر جهت به شکم یا سینه یا پشت و یا پهلوی انسان وارد شود: ثلث دیه کامل است
۱۱. هرگاه وسیله ای از یک طرف بدن فرو رفته واز طرف دیگر بیرون آمده باشد: دو ثلث دیه کامل دارد
۱۲. **نافذ** - هرگاه نیزه یا گلوله یا مانند آن (که منصرف از سوزن و خار و نظایر آن است) در دست یا پا فرو رود: در صورتیکه مجنی علیه مرد باشد دیه آن یکصد دینار و در صورتی که زن باشد دادن ارش لازم است

✓ دیه جراحات:

۱. **دین:** الف - بر اساس نظر حکومتی ولی امر دیه اقلیت های شناخته شده در قانون اساسی به اندازه دیه مسلمان است. (تبصره ماده ۲۹۷ ق.م.ا)

ب - دیه افرادی که دین آنها در قانون اساسی شناخته نشده، تعیین نگردیده که اگر جنایتی علیه آنها ارتکاب یابد در این حالت صرفاً ضرر و زیان ناشی از جرم به آنها پرداخت می شود

۲. **جنسیت:** دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که به ثلث دیه کامل برسد. وقتی به این میزان رسید دیه ی زن نصف می شود. (پس خود یک سوم نیز داخل در مغیاً می باشد.)

جنسیت و دین

۱. **زمان:** در صورتی که ایراد صدمه و نتیجه حاصله در قتل هر دو (نه کمتر از قتل) در یکی از ماه های رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم واقع شود، یک سوم دیه کامل به دیه اصلی افزوده و دیه تغلیظ می شود.

۲. **مکان:** ارتکاب قتل در حرم مکه معظمه (نه کل شهر مکه) نیز حکم فوق را دارد.

زمان و مکان ارتکاب جرم

## کلمات مهم

۱. تغلیظ دیه فقط در خصوص اخذ دیه به جای قصاص (با دیه در جنایت غیر عمدی) است و در صورت تقاضای قصاص تغلیظ موضوعیت ندارد. پس اگر مردی زنی را در ماه حرام به قتل رساند و اولیای دم زن بخواهد مرد را قصاص کند باید نصف دیه کامل مرد را بدهد نه مثلاً نصف دیه مرد در ماه حرام یا دیه مرد در غیر ماه حرام منهای دیه زن در ماه حرام.
۲. اگر صدمه در ماه حرام و نتیجه (قتل) در حرم مکه معظمه اتفاق افتد دیه باز هم تغلیظ می شود.
۳. اگر صدمه در ماه محرم اسما رخ دهد و نتیجه در ماه رجب دو سال بعد (در صورت اثبات رابطه علیت و سببیت بین صدمه و قتل) باز هم دیه تغلیظ می شود همچنین نظایر این مورد.
۴. تغلیظ دیه فقط در خصوص ارتکاب قتل بوده و شامل جنایات مادون نفس نخواهد شد.

## انعام دیه

۱. **دیه مقدره:** به دیه ی تعیین شده برای عضو خاص در شرع و قانون دیه مقدره یا اصولاً مطلق دیه می گویند. مثل دیه دو چشم که دیه کامل است.
۲. **دیه غیر مقدره:** اگر عضوی دیه ی خاص نداشته و تعیین میزان دیه به نظر حاکم (قاضی) واگذار شده باشد دیه غیر مقدره یا ارش یا حکومت می گویند. مثل دیه کیودی دست که بدان ارش تعلق می گیرد.

## موضوع اختلافی

در خصوص امکان یا عدم امکان پرداخت مبلغی مازاد بر دیه به عنوان هزینه های بیمارستان و ... اصل کلی و نیز نظر نگارنده بر این است که با توجه به نظریه مشورتی و رأی اصراری و نیز سیره ی عقلا، جبران این خسارت ها هیچ **منع قانونی ندارد.**

## مهلت پرداخت

۱. **جنایات عمدی:** دیه قتل و جنایت مادون نفس اگر عمدی باشد ← **طرف یک سال**
  ۲. **جنایات شبهه عمد:** دیه قتل و جنایت مادون نفس اگر شبهه عمد باشد ← **طرف دو سال**
  ۳. **جنایات فطائی:** دیه قتل و جنایت مادون نفس اگر خطا، محض باشد ← **طرف سه سال**
- ✓ تاخیر از این مواعید **فقط با تراضی طرفین** ممکن خواهد بود.
- ✓ دیه قتل جنین و نقص عضو یا جرح (و حتی ضرب) نیز به صور فوق الذکر خواهد بود.
- ✓ زمان محسوب شدن تاریخ های فوق از **زمان ارتکاب جنایت** است نه مثلاً درمان جراحت یا زمان ایراد جرح منتهی به قتل.
- ✓ منظور از «سال» در بندهای فوق **سال قمری** است نه شمسی.
- ✓ در صورت **قصور جانی** در پرداخت دیه در خارج از مهلت های فوق موجب استحقاق مجنی علیه به دریافت قیمت **یوم الاداء** خواهد بود مگر اینکه این قصور از جانب مجنی علیه در دریافت دیه باشد و جانی با ایداع دیه (مثلاً در صندوق دادگستری) موجبات پرداخت را برای مجنی علیه فراهم کرده باشد.
- ✓ در جنایت **شبهه عمد** (قتل یا مادون جنایت بر نفس) اگر جانی قادر به پرداخت دیه نباشد به او مهلت مناسب داده می شود.
- ✓ پرداخت **ارش** مهلت ندارد .

۱. **مرتکب:** در قتل و جنایت عمد و شبه عمد مسئول پرداخت دیه خود مرتکب است. (حکم فوت بعد از فرار مستثنی است).
۲. **عاقله:** عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدري به ترتیب طبقات ارث بطوریکه همه کسانیکه حین الفوت می توانند ارث ببرند بصورت **مساوی** (نه به میزان سهم الارث) عهده دار پرداخت دیه خواهند بود.

- ✦ ✦ **جنایات خطاء محض:** (همه ی جنایات خطایی بر عهده ی عاقله نیست؛ توجه در نکات زیر مطلب را بیان می کند):
- ✓ اگر جنایت خطاء محض با  $\left. \begin{array}{l} ۱. بیته \\ ۲. قسامه \\ ۳. علم قاضی \end{array} \right\}$  ثابت شود، پرداخت دیه بر عهده عاقله خواهد بود.
  - ✓ اگر جنایت کمتر از **موضعه پنج صدم** باشد، پرداخت دیه بر عهده خود مرتکب خواهد بود.
  - ✓ جنایات هایی که شخص به **صورت خطا به خویش** وارد می کند بر عهده ی عاقله نخواهد بود.
  - ✓ اگر مورد اتلاف خطائی روی مال باشد (نه جسم انسان) در این حالت هم خود مرتکب مسئول است.
  - ✓ مسئولیت عاقله امری استثنایی بوده و خلاف اصل است و **نمی توان آن را به پرداخت ارش تعمیم داد.**

✦ ✦ **فرار متهم در جنایات عمدی و شبه عمدی:** (که در دو مورد پیش بینی شده است):

- ✓ ماده ۲۶۰ - هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد **پس از مرگ** قصاص تبدیل به دیه می شود که باید: ✦ از مال قاتل پرداخت گردد و ✦ چنانچه مالی نداشته باشد از اموال نزدیکترین **خویشان** او بنحو الاقرب فالاقرب پرداخت می شود و ✦ چنانچه نزدیکانی نداشته باشد یا آنها تمکن نداشته باشند دیه از بیت المال پرداخت می گردد.
- ✓ دیه عمد و شبه عمد بر جانی است لکن اگر فرار کند: ✦ از مال او گرفته می شود و ✦ اگر مال نداشته باشد از **بستگان** نزدیک او با رعایت الاقرب فالاقرب گرفته می شود و ✦ اگر بستگانی نداشت یا تمکن نداشتند دیه از بیت المال داده می شود.
- ✓ مراد از خویشان و بستگان در مواد فوق، همان عاقله است که در نتیجه خویشان امی و زنان از شمول ماده خارج می شوند.
- ✓ با توجه به اطلاق ماده ۳۱۳ ق.م.ا عاقله در صورت فرار و مرگ جانی، مسئول کلیه جنایات اعم از موضعه و کمتر از آن می باشند.
- ✓ اگر جانی خودکشی کند، عاقله و بیت المال مسئول پرداخت دیه نخواهند بود. زیرا مسئولیت دیگران محدود به قدر متیقن است.

✦ ✦ **جنایات شخص نابالغ یا دیوانه:**

- ✓ جنایات این گونه افراد حتی در صورت عمد یا شبه عمد بودن نیز به منزله خطای محض محسوب میشود.
- ✓ طبق نظر اداره حقوقی: با توجه به حکم کلی تبصره ماده ۳۰۶ جنایات اطفال کمتر از موضعه نیز بر عهده ی عاقله است.
- ✓ کبیر شدن قاتل که در زمان قتل نابالغ بوده تاثیری در مسئولیت عاقله در پرداخت دیه ندارد.
- ✓ عاقله ای که پرداخت دیه بر عهده ی آنهاست به طور مساوی (نه به نسبت سهم الارث) دیه را نادیه خواهد کرد.
- ✓ با وجود طبقه اول نوبت به طبقه ی دوم و سوم وراث نخواهد رسید.
- ✓ اگر عاقله ی جانی تنها پدر و دختر وی باشد چون دختر جزو عاقله محسوب نمی شود فقط پدر ضامن است.
- ✓ مهلت پرداخت دیه در این گونه جنایات سه سال:  $\left. \begin{array}{l} \text{در قتل: از زمان وقوع قتل} \\ \text{در مادون نفس: زمان ارتکاب جرم} \end{array} \right\}$  است.

۳. **ضامن مجریه:** کسی که با انعقاد عقدی با کسی که وارثی ندارد متعهد می شود که در قبال ارث بردن از مال او جنایات خطایی او را بر عهده گیرد که خود طبق تبصره ماده ۳۰۷ ق.م.ا عاقله محسوب می شود.

۴. **بیت المال:** هرگاه جانی (نفس یا مادون نفس) دارای عاقله نبوده یا عاقله ی او توان پرداخت دیه را طرف مدت سه سال نداشته باشد دیه از بیت المال پرداخت می شود؛ لازم به ذکر است که پرداخت دیه از بیت المال منوط به ذکر آن در قانون است.

۱. **معنی علیه:** در جنایات علیهمان نفس چون شخص زنده است و اصل برای این است که دیه در حق مرتکب است و پس از فوت وی به ورثه میرسد لذا ابتدائاً دیه برای خود مجنی علیه پرداخت می شود.
۲. **ورقه مقتول:** همانطور که فوقاً ذکر شد پس از مرگ مجنی علیه دیه به وراث قانونی وی خواهد رسید که بر اساس طبقات ارث و به میزان سهم الارث مقرر در قانون مدنی بین آنها تقسیم خواهد شد.
- ✓ ماده ۸۸۰ ق.م. - قتل از موانع ارث است بنابراین کسی که مورث خود را **عمداً** بکشد از ارث او ممنوع می شود اعم از اینکه قتل **بالمباشره** باشد یا **بالتسبیب** و **منفرداً** باشد یا به **شرکت** دیگری [منظور از شرکت اعم از شرکت به معنی خاص و معاونت است].
- ✓ ماده ۲۶۱ ق.م.ا - اولیای دم که قصاص و عفو در اختیار آنهاست همان ورثه مقتولند، **مگر شوهر یا زن** که در **قصاص** و **عفو** و **اجراء اختیاری** ندارند. [لیکن می توانند شکایت کنند چرا که در صورت تبدیل قصاص به دیه حق مالی خواهند داشت و زن و شوهر سهم خود را از دیه در قتل شبه عمد و خطایی می برند].
۳. **بیت المال:** الامام وارث من لا وارث له یعنی اگر مقتولی وارث نداشته نباشد دیه او به بیت المال تعلق میگیرد.
۴. **جهات بزرگ و امسان:** تبصره ماده ۴۹۴ ق.م.ا - دیه مذکور در این ماده (جنایت بر مرده) به عنوان میراث به ورثه نمی رسد بلکه مال خود میت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت می گردد و در راههای خیر صرف میشود. (اه های فیه مذکور در این ماده همان جهات بزرگ و امسان می باشد).

۱. **ادای آن از طرف جانی:** اگر جانی دیه مقرر از طرف دادگاه (قانون) را به مجنی علیه یا وراث قانونی وی پرداخت کند دیه ساقط می شود.
۲. **ابراء آن توسط شخص مجنی علیه یا وراث او:** مجنی علیه در جنایات مادون نفس و وراث وی در جنایت بر نفس (با رضایت همگی یا پرداخت سهم افرادی که خواهان دیه اند) با ابراء جانی پرداخت دیه را ساقط می کنند.

### رای وحدت رویه

۱۷۶ - رای شماره: ۳۲ - ۱۳۶۵/۸/۲۰ شماره ردیف: ۲۲/۶۴

عنوان: نوع قتل در رانندگی بدون گواهینامه «در حکم شبه عمد» است.

موضوع: ۴- قتل در اثر بی احتیاطی در امر رانندگی ۴- مصادیق قتل غیر عمدی ۴- پرداخت کننده دیه

(( رای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور ))

(( قتل غیر عمدی در اثر بی احتیاطی در رانندگی وسیله نقلیه موتوری بدون داشتن پروانه رانندگی که مجازات آن در ماده ۱۵۳ قانون تعزیرات مصوب

۶۲/۸/۱۸ کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی معین شده از آن جهت که نوعاً تفریط به نفس است در حکم شبه عمد بوده و از لحاظ پرداخت دیه

مشمول بند ب ماده ۸ قانون دیات مصوب ۶۱/۴/۲۰ میباشد بنابراین این رای شعبه ۱۴ دیوان عالی کشور که بر این اساس صادر گردیده صحیح و منطبق با

موازین قانون است این رای بر طبق ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوانعالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه

لازم الاتباع است.))

۱. عدم اجرای قصاص علیه مرتکب
۲. سقط جنین
۳. جنایات ناشی از تفلط رانندگی
۴. قتل غیر عمدی ناشی از سایر موارد
۵. سایر موارد (جرامات ناشی از اسیدپاشی)

تعمیرات  
تعمیرات  
تعمیرات

در کلیه موارد زیر تعزیر ثابت می شود:

#### ۱. قتل:

ماده ۶۱۲ ق.م.ا - هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا بهر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یابیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می نماید.

✓ شبیه همین حکم در مواد ۲۲۲ و ۲۲۴ همین قانون پیش بینی شده است.

✓ منظور از نداشتن شاکی همان عدم شکایت اوست چرا که اساساً هیچ کس بدون ولی دم نیست و حتی اگر کسی بدون ولی دم باشد ولی امر مسلمین ولی دم او محسوب میشود.

#### ۲. جنایات مادون نفس:

ماده ۶۱۴ - هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دایمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می شود.

✓ صرف ابراد ضرب بدون این که منتهی به نتایج فوق الذکر شود مجازات تعزیری ندارد.

✓ در این خصوص به ماده ۴۰۴ ق.م.ا هم توجه داشته باشید.

✓ به نظر می رسد ضربتی که باعث تورم یا تغییر رنگ پوست نشود (مثل یک تو سری ساده) را با توجه به قضاوت عرف و نیز شخصیت قربانی نوعی توهین محسوب کرده و طبق ماده ۶۰۸ ق.م.ا مرتکب را تعزیر نمود.

عدم اجرای قصاص علیه مرتکب



**ماده ۶۲۲** - هر کس عالمماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله [اعم از آزار جسمی یا روحی، مثل فحاشی و ...]، موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

**ماده ۶۲۳** - هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شودو اگر عالمماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد.

**ماده ۶۲۴** - اگر طیبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت.

✓ در این ماده تشدید مجازات نسبت به ماده قبل تشدید خاص و شخصی است. (ر.ک: جلد ۲ صفحه ۲۱۹ جزای عمومی دکتر اردبیلی)

✓ هر گاه خود زن مباشرت به سقط جنین نماید (مثل ایراد ضرب به خود یا پریدن از بلندی و ...) در این صورت طبق ماده ۴۸۹ ق.م.ا به پرداخت دیه محکوم می‌شود و مجازات دیگری برای او در قانون پیش بینی نشده است.

✓ هر گاه دارندگان حرفه پزشکی با آزار و اذیت جسمی یا روحی (و نه موارد پیش بینی شده در ماده ۶۲۴) موجب سقط جنین زنی شوند طبق ماده ۶۲۲ و نه ۶۲۴ ق.م.ا مجازات می‌شوند.

✓ تفاوتی بین جنین ناشی از زنا یا جنین ناشی از ازدواج مشروع وجود ندارد.

✓ سقط جنین از جمله جرائم مقید است.

✓ شروع به سقط جنین مادری که اساساً باردار نیست یا استفاده از شکر به جای دارو برای سقط جنین، در قانون ایران جرم محسوب نمی‌شود. (شرع به جرم محال)

✓ هر گاه بر اثر اقدام مرتکب مادر نیز مجروح شده یا بمیرد و به هر دلیل قصاص در خصوص وی اجرا نشود مورد از موارد تعدد معنوی بوده و مرتکب به مجازات جرمی که مجازات آن اشد است محکوم می‌شود. (صفحه ۲۵۸ جلد ۱ میرمحمدصادقی)

یادآوری

سقط جنین موضوع ماده ۶۲۲ ق.م.ا موجب تحقق قصاص نسبت به جنین نیست بلکه نسبت به مادر می‌باشد (م ۶۲۲ ق م ا)

## ۱. عنصر مادی:

۱. عمل مادی فیزیکی: که فقط با فعل مثبت ممکن است } ۱. رانندگی: هدایت کردن یا به حرکت درآوردن وسیله نقلیه  
۲. تصدئ: هدایت و کنترل وسیله غیرنقلیه مثل چرنقیل یا دستگاه های شهر بازی

۲. شرط لازم برای تحقق جرم: موتور بودن وسیله شرط مهم تحقق این جرم است و رانندگان دوچرخه و امثال آن که وسیله

مورد استفاده آنها با قدرت موتور نمی باشد از شمول مواد مربوط به این جرم خارج اند.

✓ زمینی، آبی یا هوایی بودن وسایل فوق الذکر از اهمیت برخوردار نمی باشند.

۳. نتیجه مامله: که همان صدمه به وجود آمده می باشد و انواع صدمه فروع مختلفی دارد که اگر:

( الف ) منتهی به قتل شود: مرتکب به ۶ ماه تا ۳ سال حبس محکوم می شود

( ب ) منتهی به مرض جسمی یا دماغی علاج شود: به ۲ ماه تا ۱ سال حبس محکوم می شود

( ج ) منتهی به ضایعات خفیف یا سقط جنین شود: به ۲ تا ۶ ماه حبس محکوم می شود

( د ) منتهی به صدمه بدنی شود: به ۱ تا ۵ ماه حبس محکوم می شود

## ۲. عنصر معنوی:

✓ بی احتیاطی: یعنی انجام کاری که عرف عدم انجام آن را انتظار دارد مثل رانندگی با سرعت بالا

✓ بی مبالائی: یعنی عدم انجام کاری که عرفاً باید انجام می گرفت مثل راهنما نزدن هنگام دور زدن با اتومبیل

✓ عدم رعایت نظامات دولتی: مثل رانندگی در جهت مخالف جاده

✓ عدم مهارت: یعنی تسلط نداشتن به رانندگی اعم از اینکه دارای گواهینامه باشد یا نه

کلیه موارد فوق باید باعث تحقق جنایت علیه نفس یا مآدودن نفس شود و الا اگر نتایج اخیرالذکر ناشی از عاملی غیر از یکی

از چهار حالت فوق الاشعار باشد مسئول شناختن راننده ممکن نخواهد بود.

## ۳. کیفیات منسده و مخففه:

۱. کیفیات منسده: در موارد زیر راننده به پیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور محکوم خواهد شد. اگر راننده:

- ✓ مست بوده
- ✓ پروانه نداشته
- ✓ زیادتر از سرعت مقرر حرکت می کرده
- ✓ دستگاه موتوری را باوجود نقص و عیب مکانیکی مؤثر در تصادف به کار انداخته
- ✓ درمحل هایی که برای عبور پیاده رو علامت مخصوص گذارده شده است، مراعات لازم ننماید
- ✓ از محل هایی که عبور از آن ممنوع گردیده است رانندگی نموده باشد

➤ مجازات حبس مذکور در موارد فوق طبق تبصره ماده ۷۱۸ قابل تبدیل به جزای نقدی نیست.

۲. کیفیات مخففه: تبصره ۲ ماده ۷۱۹ عنوان می دارد: در تمام موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به نقاتی برای معالجه و

استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هرنحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را

فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود.

کلیه تخفیف مذکور در این تبصره، تخفیف اجباری یا همان تخفیف قانونی بوده و برخلاف تخفیف قضایی مذکور در ماده ۲۲

ق.م.ا خارج از اختیار قاضی می باشد.

کلیه اگر مرتکب وسیله نقلیه را به عنوان آلت برای قتل دیگری به کار برده باشد مورد از محدوده مواد مذکور در این بخش خارج

بوده و طبق مواد ۲۰۶ به بعد ق.م.ا محاکمه می شود.

ماده ۶۱۶ - در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالائی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حیس از یک تاسه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد.

تبصره - مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی گردد.

#### ❖ تشریح ماده:

- ✓ قتل غیر عمد باشد و اگر مادون نفس باشد مورد از شمول این ماده خارج خواهد بود.
- ✓ به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالائی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود.
- ✓ مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی گردد و این موضوع فارق بین این بخش و بخش قبلی است.

#### ❖ منظور از «مگر اینکه خطای محض باشد»:

- یعنی عمل مرتکب متوجه قربانی خاصی نباشد که اگر باشد مرتکب مشمول این ماده نخواهد شد؛ مثل تیراندازی به «الف» و برخورد تیر به «ب» بر اثر خطا.
- اگر خطای محض باشد، حبس متوجه مرتکب نخواهد شد نه اینکه بگوییم دیه برعهده عاقله خواهد بود. چون این گونه جنایات «در حکم شبه عمد» بوده و نمی توان گفت که منظور مقنن این بوده که پرداخت دیه را به عهده عاقله بگذارد.

### ☉ لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید

«مصوب ۱۶ اسفند ماه ۱۳۳۷»

ماده واحده - هرکس عمداً با پاشیدن اسید یا هرنوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام (در حال حاضر قصاص) و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان یکی از حواس مجنی علیه گردد به حبس جنایی درجه یک و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کار افتادن عضوی از اعضا بشود به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ده سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا پنج سال محکوم خواهد شد.

- مجازات شروع به پاشیدن اسید به اشخاص حبس جنایی درجه ۲ از دو سال تا پنج سال است.
- ✓ با توجه به اطلاق «پاشیدن» خوراندن و تزریق اسید به بدن مجنی علیه مشمول این ماده قرار نمی گیرد.
- ✓ فرو بردن بدن مجنی علیه در اسید هم می تواند مد نظر ماده باشد.
- ✓ نتیجه لازم برای تحقق عنصر مادی تحقق یکی از نتایج فوق الذکر می باشد.
- ✓ عنصر روانی لازم برای تحقق جرم آگاهی از جنس ماده مورد استفاده می باشد.
- ✓ تحقق این جرم نیازمند سوء نیت خاص نیست.
- ✓ نمی توان کسی را که بر روی دیگری اسید می پاشد محارب دانست. چون عداوت شخصی در میان بوده و در «سلاح» بودن اسید تردید وجود دارد.
- ✓ تعزیر مذکور برای مرتکب این نوع جرم زمانی است که قصاص منتفی باشد.

قتل غیرعمدی ناشی از سایر حوادث

سایر موارد (جراحت ناشی از پاشیدن اسید)

## همکاری در ارتکاب جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص

### ۱. شرکت در جنایت به اعتبار عنصر مادی:

➤ شرکت در فعل و شرکت در نتیجه:

- ✓ شرکت در فعل: یعنی با ارتکاب فعل واحد موجب تحقق نتیجه شوند. مثل برداشتن سنگ بزرگ و زدن به سر قربانی
- ✓ شرکت در نتیجه: یعنی با ارتکاب افعال مختلف موجب تحقق نتیجه واحد شوند. مثل زدن چاقو به مباشرت مستقل دو نفر

➤ شرکت سبب و مباشر یا چند سبب و چند مباشر:

- ✓ مثلاً یکی غذای مجنی علیه را با سم آلوده کند (سبب) و مرتکب آن را خورده و دچار ضعف شود که در این حال فردی دیگر او را مورد ضربات شدید قرار دهد (مباشر) و فرد به اجتماع ضعف جسمانی و ضربات شدید کشته شود.
- ✓ توجه شود که اجتماع اسباب با یکدیگر و اسباب با مباشر باید در عرض هم باشد نه در طول هم.

➤ شرکت فاعل و تارک فعل:

- ✓ مثلاً فردی پارچه ی سنگینی را بر روی صورت نوزاد قرار دهد (فعل) و مادری که طفل را ناخواسته به دنیا آورده از کنار زدن پارچه امتناع ورزد (ترک فعل) و طفل بر اثر خفگی کشته شود.

### ۲. شرکت در جنایت به اعتبار عنصر معنوی:

➤ اجتماع عمد و شبه عمد:

- ✓ مثلاً «الف» به قصد قتل «ب» را مجروح ساخته و «ج» به قصد تأدیب با فعل غیر کشنده ای مضروب سازد.
- ✓ در این حالت اولیای دم میتوانند با دریافت نصف دیه از مرتکب شبه عمد و پرداخت نصف دیه به شریک عمد او را قصاص کنند یا هر دو با یکی را عفو نمایند یا از هر دو نصف دیه (قانوناً) یا کمتر با بیشتر (توافقاً) دریافت دارد.

➤ اجتماع عمد و فطای ممض:

- ✓ مثلاً دو تیر که یکی از طرف «الف» به قصد قتل مجنی علیه و دیگری از طرف «ب» به قصد شکار حیوان و کمانه کردن تیر و برخورد به مجنی علیه اصابت کرده و بر اثر هر دو تیر وی به قتل برسد.
- ✓ حکم مساله همان مورد بالاست با این تفاوت که در اینجا پرداخت کننده دیه ی مرتکب خطایی عاقله ی او خواهد بود.

➤ اجتماع عمد، شبه عمد و فطای ممض:

- ✓ مثل وقتی که «الف» به قصد قتل «ب» به قصد تأدیب و «ج» به قصد شکار حیوان و کمانه گرفتن تیر به شخص «د» ضربه ای وارد میکنند و او بر اثر هر سه ضربه به قتل می رسد.
- ✓ حکم این مورد چنین خواهد بود یا از هر سه یک سوم دیه را بخواهد یا با پرداخت دو سوم دیه کامل به مرتکب عامد او را قصاص کنند یا از هر سه گذشت نماید.

➤ اجتماع شبه عمد و فطای ممض:

- ✓ مثلاً «الف» به قصد تأدیب و «ب» به قصد شکار و کمانه کردن تیر و اصابت به «ج» وی به قتل برسد.
- ✓ حکم این مورد پرداخت نصف دیه از طرف مرتکب شبه عمد و نصف دیه دیگر از طرف عاقله مرتکب خطائی خواهد بود.

## ۱. عنصر مادی:

➤ (فتار فیزیکی):

- ✓ برای تحقق این جرم **فعل مثبت** شرکت در منازعه به شکل **عملی** و نه لفظی و امثالهم لازم است.
- ✓ بعید بنظر میرسد که استفاده یکی از طرفین از حیوان دست آموز را شرکت در منازعه دانست.

➤ شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم:

- ✓ نزاع طرفینی باشد
- ✓ شرکت به صورت عده ای حداقل سه نفر در منازعه باشد
- ✓ اگر دو نفر با هم درگیر بوده و به تناوب جای خود را به دیگری بدهند منازعه محقق نمی شود.
- ✓ شخص مجبور نیز علی رغم نداشتن مسئولیت کیفری از اعداد شرکت کنندگان محسوب شده و عدم مسئولیت کیفری وی موجب از بین رفتن مسئولیت دیگران نخواهد بود مگر اینکه به قدری صغیر باشد که نتوان او را موجود مستقلی دانست.
- ✓ موارد فوق در خصوص عوامل رافع مسئولیت شامل علل موجهه جرم نشده و اگر یکی از سه نفر در حال دفاع باشد منازعه محقق نمی شود.

- ✓ در خصوص علل موجهه جرم که در بالا ذکر شد اعمال دو نفر باقی مانده نیز منازعه نیست چون تعداد آنها کمتر از سه نفر است.

➤ نتیجه ی حاصله:

- ✓ این جرم **مقید** بوده و نیازمند تحقق یکی از موارد مذکور در ماده ۶۱۵ یعنی: (۱. قتل، ۲. نقص عضو، ۳. ضرب و جرح) می باشد.
- ✓ وجود رابطه ی **سببیت** بین نتایج فوق و منازعه برای تحقق این جرم لازم است.
- ✓ تعدد نتایج حاصل از منازعه موجب تعدد بزه مداخله کنندگان نمی باشد.
- ✓ طبق تبصره ۲ ماده ۶۱۵ «مجازاتهای فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد.»

## ۲. عنصر معنوی:

- ✓ این جرم مستلزم وجود **عمد** در شرکت می باشد؛ به عبارتی دخالت عمدی و آگاهانه افراد مورد نیاز است و اگر کسی به قصد خاتمه دادن به نزاع وارد جریان درگیری شود نمی توان او را شریک در نزاع دانست.
- ✓ قصد خاص شرکت کنندگان شرط تحقق این جرم نبوده و به وجود آمدن یکی از نتایج مذکور به صورت غیر عمدی نیز مشمول ماده خواهد شد.
- ✓ انگیزه مرتکب یا مرتکبین فقط از باب تخفیف مجازات می تواند مد نظر قرار گیرد و تغییری در ماهیت جرم نخواهد داشت.

## ۳. مجازات شرکت کنندگان در منازعه:

➤ توبه در متن ماده نشانگر مجازات مرتکبین فواد بود که در زیر آمده است:

- ✓ ماده ۶۱۵ - هرگاه عده ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می شوند:
  - ۱- در صورتی که نزاع منتهی به **قتل** شود به حبس از یک تا سه سال.
  - ۲- در صورتی که منتهی به **نقص عضو** شود به حبس از شش ماه تا سه سال.
  - ۳- در صورتی که منتهی به **ضرب و جرح** شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

### ۱. عنصر مادی:

- ✓ تحریک، ترغیب، تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم یا دسیسه و فریب و نیرنگ یا تهیه وسایل ارتکاب جرم یا ارائه ی طریق و تسهیل وقوع جرم به هر نحو ممکن
- ✓ معاونت به صورت فعل مثبت بوده و با ترک فعل محقق نمی شود مگر اینکه با تائنی قبلی باشد.
- ✓ عمل معاون باید مقدم بر عمل مباشر یا حداکثر مقارن با آن باشد و اعمالی که بعد از فعل مباشر انجام می شود ممکن است جرم مستقل باشد.
- ✓ علاوه بر شرط فوق الذکر شرط دیگری برای تحقق جرم معاون وجود دارد و آن جرم بودن عمل اصلی مباشر و ارتکاب یا شروع به ارتکاب جرم توسط مباشر می باشد. (عاریه ای بودن معاونت)
- ✓ وجود رابطه ی سببیت بین کمک معاون و فعل مباشر از شرایط دیگر معاونت است.

### ۲. عنصر معنوی:

- ✓ وجود وحدت قصد بین مباشر و معاون عنصر معنوی معاونت است.
- ✓ صرف آگاهی معاون نسبت به اینکه مساعدت وی برای ارتکاب جرم از سوی مباشر مورد استفاده قرار می گیرد کافی است.
- ✓ معاونت در جرایم غیر عمدی نیز قابل فرض می باشد. (ر.ک: رأی وحدت رویه شماره ۲۷۶۴ مورخ ۱۳۱۶)

### ۳. مجازات مصادیق متکلف معاونت:

#### ➤ معاونت در جنایات عمدی موجب قصاص:

- ✓ هر گاه مرتکب جنایت عمدی قصاص شود معاون جرم به سه تا ۱۵ سال یا سه ماه تا یک سال حبس حسب مورد محکوم می شود.
- (ماده ۲۰۷ و تبصره ۱ ماده ۲۶۹ ق.م.ا)

#### ➤ معاونت در جنایات عمدی غیر موجب قصاص:

- ✓ تبصره ماده ۶۱۲ در صورت عدم قصاص مباشر: در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود.
- ✓ اگر چند نفر شریک و یک نفر مباشر بوده و یکی از شرکا قصاص و عده ای بهر دلیل قصاص نشوند اصل تفسیر به نفع متهم مستلزم تقلیل مجازات معاون به شرح بالا خواهد بود.

#### ➤ معاونت در سقط جنین:

- ✓ به بخش سقط جنینی از همین مجموعه مراجعه کنید. (صفحه ی ۱۸)

#### ➤ معاونت در منازعه:

- ✓ ماده ۷۲۶ - هرکس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می شود. معاون در اصل وقوع منازعه طبق این ماده می تواند مجازات شود و اگر منازعه منجر به نتایج شدید مذکور در ماده ۶۱۵ ق.م.ا شود مورد از موارد تعدد خواهد بود. (ظاهراً تعدد معنوی مد نظر است.)

#### ➤ معاونت در معاونت:

- ✓ در این حالت هم خود معاون و هم معاون در معاونت قابل مجازات خواهند بود.

#### ➤ معاونت در شروع به جنایت:

- ✓ با توجه به اینکه شروع به قتل، جرم تعزیری محسوب می شود لذا می توان با ماده ۷۲۶ ق.م.ا معاون در این جرم را محاکمه کرد.

## سایر جرایم علیه اشخاص

### توهین

#### کلیات مفتری بر مرم توهین

اگرچه این بخش از مجموعه در جلد یک حقوق جزای اختصاصی بررسی می گردد لیکن علی الاصول جنایت تلقی نمی شود. چرا که به تمامیت جسمانی شخص صدمه ای وارد نکرده و فقط از باب معنوی شخصیت اشخاص را مورد خدشه قرار می دهد.

این قسمت مربوط به جرائمی چون: توهین (ساده و مشدده)، نشر اکاذیب، افشای اسرار حرفه ای، هتک حرمت مراسلات و مزاحمت تلفنی و بعضی جرایم دیگر می باشد که با توجه به گستردگی جرم توهین در ذیل به تقسیم بندی انواع آن پرداخته سپس سایر جرایم مربوطه را بررسی می کنیم.

۱. **توهین ساده:** موضوع ماده ۶۰۸ ق.م.ا مربوط به این نوع توهین است. به عبارتی توهینی که مشدد

نباشد ساده است. در ذیل انواع توهین مشدده را ذکر می کنیم تا از توهین ساده متمایز گردد.

#### ۲. توهین مشدد و انواع آن:

برخی مواقع مرتکب جرم توهین به دلایل خاصی به مجازات بیشتری (که گاه عنوان خاص مجرمانه دارد مثل افترا مستحق مجازات بیشتری می شود) که قاضی با توجه به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها با استناد به مواد قانونی مربوطه مرتکب را محکوم به مجازات می کند.

در ذیل به ذکر انواع مختلف توهین مشدد می پردازیم:

- توهین مشدد به اعتبار مقام مخاطب
- توهین مشدد به اعتبار جنسیت یا سن طرف توهین
- توهین مشدد به اعتبار قداست طرف توهین
- توهین مشدد به اعتبار نمونه ارتکاب
- توهین مشدد به اعتبار وسیله ارتکاب
- توهین مشدد به اعتبار ماهیت انتساب:

✓ افترای قولی

✓ افترای عملی

#### انواع توهین

### ۱. عنصر قانونی:

➤ ماده ۶۰۸ - توهين به افراد از قبيل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ريال جزای نقدی خواهد بود.

### ۲. عنصر مادی:

➤ (فتار فیزیکی): رفتار فیزیکی این جرم به صورت مثبت گفتار، رفتار، کردار، نوشتار و حتی اشارات مختلف دست و چشم می باشد. با توجه به عبارت «از قبیل» رفتار فیزیکی می تواند به اشکال مختلفی ارتکاب یابد.

➤ شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جرم:

✓ موهن بودن (فتار): صرف خشونت در گفتار را نمی توان توهين کیفری محسوب کرد و تشخیص موهن بودن با عرف است.

✓ وهمود مفاطوب معین: توهين به خود جرم نبوده و نیز توهين به گروه کلی مثل گروه دانشجویان بدون تعیین مصادیق آن نیز جرم محسوب نمی شود.

✓ شفص مقیقی بودن مفاطوب: با توجه به واژه ی «افراد».

✓ زنده بودن مفاطوب: از دیدگاه دکتر میرمحمدصادقی (برخلاف نظرات بعضی اساتید دیگر) توهين به مردگان تنها در صورتی جرم تلقی می شود که توهين به بازماندگان آنها تلقی شود در غیر اینصورت توهين به مردگان در حالت عادی جرم محسوب نمی شود و صرفا در بعضی موارد توهين به مردگان به طور خاص جرم انگاری شده است. مثل ماده ۵۱۴ ق.م.ا.

✓ مضموری یا علنی بودن توهين: جز در مواردی که در قانون تصریح شده است علنی بودن توهين شرط تحقق آن محسوب نمی شود. (مثل ماده ۵۱۷ ق.م.ا.) لذا یکی از دو شرط حضوری یا علنی بودن جرم توهين لازم و کافی به نظر می رسد. منظور از حضوری بودن نیز حضور فیزیکی وی نیست و تلفنی بودن توهين کافی می باشد. منظور از علنی بودن نیز حضور شاهد نمی باشد بلکه ارتکاب توهين در محل معد برای حضور شاهد مثل کوچه هم علنی محسوب می شود هر چند شاهدهی در محل حضور نداشته باشد.

✓ صریح بودن توهين: الفاظ به کار برده شده باید صراحت داشته و تفسیر بردار نباشد.

✓ عدم لزوم ارتهایی بودن توهين: منظور این است که با استناد به اینکه توهين در برابر توهين طرف مقابل بوده از مرتکب سلب مسئولیت نمی کند و صرفا می تواند با استناد به بند ۳ ماده ۲۲ از تخفیف برخوردار شود.

ولی در حد قذف تقابلی آن موجب سقوط حد و تبدیل آن به تعزیر می گردد. (ماده ۱۶۲ ق.م.ا.)

➤ نتیجه حاصله: این جرم از جمله جرایم مطلق بوده لذا نتیجه ای از جرم توهين مد نظر مقنن نیست.

### ۳. عنصر معنوی:

➤ سوء نیت عام:

✓ مرتکب در ارتکاب فعل خود عمد باشد نه اینکه به علت مستی و خواب و نظایر آن بدون اراده مرتکب رفتار موهن شود.

✓ مرتکب باید در وهن آمیز بودن عبارت به کار برده شده نیز عالم باشد نه اینکه به خاطر تفاوت در فرهنگ و نظایر آن نسبت به این امر جاهل باشد.

➤ سوء نیت خاص:

✓ قصد مرتکب و سوء نیت خاص و نیز انگیزه ی سوء یا شرافتمندانه او ضرورت و تأثیری در مسئولیت کیفری او نداشته و انگیزه شرافتمندانه از باب تخفیف مجازات می تواند مورد بحث قرار گیرد.



## توهین مشدد و انواع آن

### ۱. توهین به رهبری قبلی و فعلی:

- ✓ ماده ۵۱۴ - هرکس به حضرت امام خمینی، بنیانگذار جمهوری اسلامی رضوان ... علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحاء اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.
- ✓ رسیدگی به این جرم در صلاحیت دادگاه انقلاب می باشد. (بند ۲ ماده ۵ ق.ت.د.ع.ا مصوب ۷۳)
- ✓ مرتکب علاوه بر عمد در فعل باید به موهن بودن گفتار و نیز مقام مورد توهین نیز آگاه باشد.

### ۲. توهین به سایر مقامات و کارکنان دولتی:

- ✓ ماده ۶۰۹ - هرکس با توجه به سمت [به] یکی از رؤسای سه قوه یا معاونان رییس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود. این ماده شامل اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای امنیت و دیگر نهادهایی که از جمله وزارتخانه‌ها نیستند نمی شود.
- ✓ رویه قضایی ایران ماده را شامل اعمال حاکمیتی دولت (مثل اعمال انتظامی و قضایی) می داند نه اعمال تصدی مثل بانکداری و نظایر آن.
- ✓ توهین باید با توجه به «سمت» فرد مورد توهین باشد؛ به عبارتی فرد به مقام طرف مقابل آگاه باشد.
- ✓ توهین باید در حال انجام وظیفه یا به سبب آن باشد. تحقق یکی از این شروط لازم و کافی است.
- ✓ اگر کارمند در ساعات اداری در غیر انجام کار اداری باشد (مثل خوردن ناهار) و مورد توهین مراجعه کننده قرار گیرد باز مشمول ماده قرار می گیرد.
- ✓ بر خورداری کارمند از مفاد ماده فوق شروط به زمانی است که وی از حدود وظایف خود خارج نشود. مثلاً اگر اهانت بر اثر عدول مامور از وظیفه خود و اقدام به فحاشی باشد، بر فرض تحقق، مشمول ماده فوق نخواهد بود. (این به معنی ارتجالی بودن توهین نیست). (ر.ک: صفحه ۴۳۷ جلد ۱ میر محمد صادقی)
- ✓ در حالت فوق توهین یک توهین ساده به شمار می رود.
- ✓ این جرم بر خلاف توهین ساده غیرقابل گذشت می باشد.

### ۳. توهین به مقامات سیاسی خارجی:

- ✓ ماده ۵۱۷ - هرکس علناً نسبت به رییس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می‌شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود.
- ✓ تبصره - اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد.

### ۴. توهین به صاحبان حرف و مشاغل خاص:

- ✓ مثل توهین به وکیل یا کارشناس رسمی دادگستری و نیز توهین به مافوق در هنگام خدمت سربازی و نظایر آن.

- ماده ۶۱۹ - هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.
- منظور از «تعرض» دست درازی و ایجاد مزاحمت جسمانی است و منظور از اطفال افرادی است که به سن بلوغ نرسیده اند.
- صرف حضوری بودن کافی نیست و این مورد باید در معابر یا اماکن عمومی مثل خیابان و مسجد و ... باشد.
- جرم مذکور در این ماده بر خلاف توهین ساده جزء جرایم قابل گذشت نمی باشد.
- برای شمول ماده به کار بردن هیچ لفظی ضرورت ندارد و صرف تعقیب به قصد مزاحمت کفایت می کند.
- «تعرض»، «ایجاد مزاحمت» و «توهین» جرایم مختلف محسوب نمی شوند و بنابراین حتی در صورت ارتکاب یافتن علیه زنان و اطفال متعدد، مرتکب مشمول قسمت دوم ماده ۴۷ خواهد شد. (تعدد معنوی)
- طبق ماده ۶۲۰ ق.م.ا هرگاه جرایم مذکور در مواد (۶۱۶) و (۶۱۷) و (۶۱۸) در نتیجه توطئه قبلی و دسته جمعی واقع شود هریک از مرتکبین به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.
- اشاره به ماده ۶۱۶ ناشی از یک اشتباه بوده و قطعاً منظور مقنن ماده ۶۱۹ به جای ۶۱۶ بوده چرا که اگر منظور مقنن بدین شکل نبود باید ماده ۶۲۰ را پس از ماده ۶۱۸ و به شماره ۶۱۹ در قانون می آورد.

- ماده ۵۱۳ - هرکس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرين (ع) یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.
- منظور از انبیاء عظام همه پیامبران بوده و واژه ی «عظام» از باب تکریم مقام آنان است همانطور که عبارت «طاهرين» در مورد ائمه (ع) جهت تکریم مقام آنان می باشد.
- منظور از حضرت صدیقه طاهره (س) همان حضرت فاطمه زهرا (س) می باشد.
- منظور از مقدسات اسلام در درجه نخست ذات خداوند متعال و پس از آن همه امکانه و اشخاصی هستند که از لحاظ موازین دین اسلام مقدس و قابل احترام محسوب می شوند. مانند قرآن کریم یا کعبه یا مزار ائمه و انبیا (ع) یا شخصیت های اسلامی مانند حضرت عباس و زینب (ع)
- حمایت از پیروان ادیان دیگر به دو مورد محدود شده است:
  - ✓ حمایت از پیامبران آنان به شرطی که آن پیامبر از دیدگاه اسلام نیز جزء پیامبران الهی محسوب شود.
  - ✓ آن دسته از مقدسات آنها که جزء مقدسات آنها نیز محسوب شود.
- اگر کسی روز یکشنبه مقابل کلیسا انجیل را آتش بزند مشمول ماده نخواهد بود زیرا این انجیل مورد پذیرش اسلام نبوده و تحریف شده است.
- عنصر روانی لازم برای تحقق این جرم عمد در توهین و علم بر موهن بودن رفتار می باشد لیکن سوء نیت خاص لازم نیست.

- ماده ۷۰۰- هرکس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود.
- تشدید این گونه توهین ها به این دلیل است که چون در قالب زیبا ریخته می شوند غالباً در اذهان عموم ماندگاری دارند.
- صرف پی در پی گفتن کلمات توهین آمیز به دیگری موجب تحقق هجو نمی شود.
- این جرم مثل توهین ساده، مطلق بوده و نیازمند نتیجه ای نمی باشد.
- عنصر روانی این جرم نیز همانند جرم توهین ساده علم در گفتار و هجو می باشد و نیازمند سوء نیت خاص ندارد.
- وجود انگیزه شرافتمندانه در مرتکب نیز (مثل هجو یک سیاستمدار دیکتاتور) صرفاً از باب تخفیف می تواند مد نظر قرار گیرد نه سلب مسئولیت کیفری.

➤ طبق قانون مطبوعات اعمالی چون اهانت به دین اسلام و مقدسات آن، اهانت به رهبری و مراجع مسلم تقلید، افترا به مقامات و مردم و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی، توهین به شخص متوفی که عرفاً هتاکي به بازماندگان وی به حساب آید، انتشار مطالب مشتمل بر تهمت و افترا و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع دانسته شده و مرتکب بر اساس مفاد قانون تعزیرات و قانون اصلاح قانون مطبوعات مصوب سال ۷۹ مجازات خواهد شد.

- مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می شود برعهده مدیر مسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته اند نخواهد بود.
- اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی - رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.
- ماده ۱۳ قانون هیأت منصفه - پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضاء هیأت منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می‌دارند:

### الف - متهم بزهکار است یا خیر؟

#### ب - در صورت بزهکاری، آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟

- تبصره - پس از اعلام نظر هیأت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می نماید.
- پیش بینی هیأت منصفه در جرایم مطبوعاتی تلاشی در راستای اعمال نظارت بر عملکرد قضات بوده است تا از سخت گیری موجب تحدید آزادی مطبوعات نشوند.

#### ۴. توهین مشدد به اعتبار ماهیت انتساب

##### ❖ کلیات افترای قولی:

- برای محکوم کردن مرتکب به افترا، وسیله اسناد از اهمیت برخوردار نمی باشد چون در نص ماده از عبارت «یا به هر وسیله دیگر» استفاده شده است.
- متعدد بودن اوراق چاپی یا مجامع برای نطق شرط تحقق این جرم نمی باشد و یک مورد هم کافی است.
- برعکس جرم نشر اکاذیب این جرم به صورت شفاهی نیز ارتکاب می یابد.

##### ❖ برای تحقق این جرم سه شرط لازم است:

###### ۱. انتساب یرب به دیگری:

- ✓ سبک یا سنگین بودن جرم مهم نبوده و مرتکب باید فعلی را منتسب کند که در زمان اسناد جرم باشد.
- ✓ جرم انگاری یا جرم زدایی لاحق از اهمیت برخوردار نمی باشد.
- ✓ طرف مورد انتساب باید شخص حقیقی باشد و شخص حقوقی بزه دیده ی جرم افترا محسوب نمی شود.
- ✓ در صورتی که جرم مورد استناد طبق قانون از سوی فرد مورد اتهام غیرممکن باشد مرتکب را نمی توان به جرم افترا محکوم کرد مثل کسی که کارمند بخش خصوصی را به ارتکاب جرم ارتشا یا اختلاس (که مختص مأمورین دولتی است) متهم کند و همچنین است زنی را به هتک ناموس دیگری؛ لیکن میتوان به اتهام جرم توهین ساده ( نه افترا) وی را محکوم نمود.

###### ۲. صراحت انتساب:

- ✓ یعنی مرتکب صراحتاً امری را نسبت دهد که آن امر طبق قانون جرم محسوب می شود.
- ✓ استفاده از واژه های کلی که جرم خاصی را متبادر به ذهن نمی کنند (مانند مجرم، خائن، بدکار و امروزه واژه هایی مثل کلاهبردار، دزد و آدم کش که مرتکب بیشتر به عنوان اهانت مورد استفاده قرار می دهد) موجب تحقق افترا نبوده و صرفاً می تواند یک توهین ساده تلقی شود.

###### ۳. ناتوانی مقتری از اثبات صحت اسناد :

- ✓ یکی از نقاط افتراق جرم توهین و افترا همین مورد است که در توهین حتی اگر مرتکب صحت اسنادش را هم اثبات کند از مسئولیت کیفری مبری نمی شود.
- ✓ مطابق تبصره ماده ۶۹۷ ق.م.ا در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هر چند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد.

##### ❖ عنصر روانی افترا:

- ✓ اولاً مرتکب عمل انتسابی را از روی اراده و عمد به دیگری نسبت دهد
- ✓ ثانیاً به جرم بودن فعل یا ترک فعل انتسابی آگاه باشد
- ✓ ثالثاً مرتکب باید به دروغ بودن فعل انتسابی به دیگری عالم باشد.
- ✓ وجود سوء نیت خاص در مرتکب لازم نبوده و سه شرط فوق الاشعار لازم و کافی است.
- ✓ نمی توان کسی را که شکایت کیفری اش علیه دیگری ناکام مانده است به جرم افترا محکوم کرد مگر اینکه سوء نیت او از شکایت محرز گردد.
- ✓ قانون آیین دادرسی کیفری ذکر نام و مشخصات شاکی و مشتکی عنه را در جریان محاکمه در رسانه ها در حکم افترا دانسته است. (ر.ک: جلد ۱ حقوق کیفری و جرم شناسی دکتر میرمحمدصادقی)

## ۱. عنصر قانونی:

ماده ۶۹۹ - هرکس عالماً عامداً به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می‌گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود.

## ۲. عنصر مادی:

### ➤ (فتا) فیزیکی:

- ✓ عبارت است از یکی از افعال مثبت گذاردن، مخفی کردن و متعلق به غیر قلمداد نمودن.
- ✓ منظور از «متعلق به غیر قلمداد نمودن» تعلق عرفی بوده و تعلق مالکانه شرط نیست. لذا مالکی که به قصد متهم نمودن سارق اتومبیل مقداری مواد مخدر در خودروی سرقتی قرار دهد تا وی را متهم به سرقت کند، مرتکب این جرم می‌شود.
- ✓ «مخفی کردن» اخص از گذاردن بوده و توأم با پنهان کاری می‌باشد.
- ✓ «متعلق به دیگری قلمداد نمودن» برخلاف موارد دیگر، نسبت به اموال غیرمنقول نیز صدق می‌کند.

### ➤ شرایط و اوضاع و احوال لازم:

- ✓ اولین شرط لازم برای تحقق این جرم، ماهیت اتهام آور بودن اشیاء آلات و ادواتی است که در منزل یا جیب دیگری یافت می‌شود، می‌باشد.
- ✓ عمل مرتکب بدون اطلاع طرف مقابل باشد.

### ➤ نتیجه‌ی ماصله:

- ✓ افترای عملی بر خلاف افترای قولی جرمی مقید به نتیجه می‌باشد.
- ✓ نتیجه‌ی حاصله برای تحقق این جرم، تحت تعقیب کیفری قرار گرفتن طرف مقابل و صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت برای اوست.

## ۳. عنصر معنوی:

۱. مرتکب در انجام فعل خود عامد و قاصد بوده و فعل او بر اثر مستی و .... نباشد.
۲. از ماهیت اتهام آور بودن اشیاء و آلات و ادوات مورد استفاده آگاه باشد.
۳. بر خلاف جرم افترای قولی، مرتکب از سوء نیت خاص برخوردار بوده و به قصد متهم نمودن دیگری این فعل را انجام داده باشد.

ماده ۱۳۹ - قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری.

ماده ۱۴۸ - اگر قذف شونده به آنچه به او نسبت داده شده است تظاهر نماید قذف کننده حد و تعزیر ندارد.

ماده ۱۵۱ - هرگاه شخصی چند نفر را به طور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می‌شود خواه همگی با هم مطالبه حد کنند، خواه به طور جداگانه.

ماده ۱۵۲ - هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواهان حد شوند برای قذف هر یک از آنها حد جداگانه‌ای جاری می‌گردد ولی اگر با هم خواهان حد شوند فقط یک حد ثابت می‌شود.

### ➤ کلیات جرم نشر اکاذیب:

- ✓ نقطه ی افتراق جرم توهین و افترا با نشر اکاذیب این است که در نشر اکاذیب بر خلاف دو مورد مذکور دیگر، لزوماً گفتار وهن آور یا اتهام آور به طرف مقابل نسبت داده نمی شود. مثل نسبت دادن کذب دو تابعیتی بودن یا دارای همسر دوم بودن که طرف در صورت عدم امکان اثبات این موارد مرتکب جرم نشر اکاذیب می شود.
- ✓ این جرم بر خلاف توهین و افترا علیه اشخاص حقوقی نیز قابل ارتکاب است.
- ✓ نشر اکاذیب جرمی قابل گذشت تلقی می شود. (با توجه به ماده ۷۲۷ ق.م.ا).

### ➤ عنصر قانونی:

- ✓ ماده ۶۹۸ - هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه براعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود.

### ➤ عنصر مادی:

#### ➤ رفتار فیزیکی:

- ✓ اکاذیبی را اظهار نماید
- ✓ اعمالی را برخلاف حقیقت رأساً یا به عنوان نقل قول تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد

#### ➤ شرایط و اوضاع و احوال لازم:

- ✓ مطالب گفته شده دروغ باشد
- ✓ به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی باشد نه شفاهی
- ✓ اگر نامه یا شکواییه به جای مکتوب بودن در قالب یک فایل در وب سایت قرار گیرد مشمول ماده می شود.
- ✓ نوشتن یک نامه به مقامات رسمی به قصد ضرر زدن به غیر برای تحقق جرم کافی بوده و تعدد عریضه یا مراسله شرط نیست.

#### ➤ نتیجه حاصله:

- ✓ جرحم نشر لام نشر اکاذیب جرمی مطلق بوده و تحقق نتیجه در آن شرط نیست.

### ➤ عنصر معنوی:

- ✓ اولاً در ارتکاب این جرم عامد باشد نه از روی مستی و ... انجام دهد = سوء نیت عام
- ✓ ثانیاً به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی انجام دهد = سوء نیت خاص
- ✓ انگیزه مرتکب تاثیری در ماهیت جرم ارتکابی نداشته و صرفاً از باب تخفیف مجازات موضوع ماده ۲۲ ق.م.ا می تواند مورد توجه قرار گیرد.

- ماده ۶۴۸ - اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.
- این اشخاص باید به مناسبت شغل و حرفه ی خود به اسرار دیگران آگاه شده باشند نه مثل پزشکی که هنگام مهمانی از بیماری صاحب خانه خبردار شده و آن را افشا کند.
- اگر خود قانون در موارد خاصی کسی را ملزم به افشای سر کرده باشد در آن صورت انجام این کار مشمول ماده ۶۴۸ نخواهد شد. مثل مواد ۱۳ و ۱۹ «قانون طرز جلوگیری از بیماری های آمیزشی و بیماری های واگیردار»
- منظور از «افشا» مطلع کردن حتی یک نفر هم می باشد.

- اصل ۲۵ - بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.
- ماده ۵۸۲ - هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.
- مرتکب این جرم باید مستخدم یا مأمور دولت باشد و ارتکاب آن از سوی اشخاص عادی پیش بینی نشده است.
- در ماده ۱۵ «قانون تشکیل شرکت پست جمهوری اسلامی ایران» برای **هرکس** که مراسلات را افشا و یا امانات را برداشت یا بازرسی یا توقیف نماید مجازات تعیین شده است.
- شمول ماده فوق الاشعار در خصوص افرادی که قانون اجازه ی انجام کارهای مورد اشاره را به آن ها داده است، نمی شود.

- ماده ۶۴۱ - هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.
- صرف تلفن زدن و قطع کردن یا تلفن زدن و سکوت کردن می تواند موجب تحقق این جرم شود به ویژه اینکه انجام این کار در زمان های خاصی مثل نیمه شب باشد که اماره ای بر مزاحمت می باشد.
- عمد در ارتکاب (سوء نیت عام) و ایجاد مزاحمت برای دیگران (سوء نیت خاص) شرط تحقق این جرم می باشد.
- اگر ایجاد مزاحمت تلفنی همراه با ارتکاب جرائم دیگری مثل، توهین و .... باشد عمل مرتکب **تعدد معنوی** محسوب می شود.
- **رای وحدت رویه شماره ۷۲۱ - ۲۱/۴/۱۳۹۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور:** وقوع بزه مزاحمت برای اشخاص به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی دیگر - موضوع ماده ۶۴۱ قانون مجازات اسلامی - منوط به آن است که نتیجه آن که مقصود مرتکب است محقق گردد، بنابراین در مواردی که اجرای مزاحمت از یک حوزه قضایی شروع و نتیجه آن در حوزه قضایی دیگر حاصل شود، محل حدوث نتیجه مزبور، محل وقوع جرم محسوب و مناط صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده نیز همین امر خواهد بود.

- ماده ۵۸۰ - هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.
- (فتا) فیزیکی لازم عبارت از ورود به منزل دیگری است.
- شرط لازم برای تحقق جرم ورود بدون اذن (صریح یا ضمنی) صاحب منزل و نیز ورود بدون رعایت ترتیب قانونی و یا سو استفاده ی مأمور از قدرت دولتی می باشد.
- ورود با فعل مثبت انجام شده و اعم این است که از راه های معمول انجام شده باشد یا غیرمعمول مثل دیوار یا پنجره؛ اگر مرتکب قبل از ورود دستگیر شود این جرم محقق نمی شود.
- برای شمول ماده ۵۸۰ ورود بخش هایی از بدن مثل سر و گردن کافی نبوده و در صورت پیش بینی مقنن صرفاً می تواند به عنوان شروع به جرم قابل تعقیب باشد.
- منظور از « مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده» اکراهی که موجب زوال اختیار مأمور شده و در ماده ۵۴ ق.م.ا بدان اشاره شده نمی باشد بلکه منظور آن است که مأمور باید ثابت کند که موظف به اطاعت از امر آن فرد بوده است؛ یعنی همان شرطی که در بند اول ماده ۵۶ ذکر شده است.
- رعایت شرط مذکور در ماده ۵۷ ق.م.ا نیز ضروری می باشد یعنی: مأمور امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد در غیر اینصورت آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند.
- اگر مرتکب یا سبب (آمر) موجب ورود ضرر دیگری علاوه بر ورود غیرمجاز شوند به مجازات آن جرم نیز محکوم می شود ⇨ تعدد مادی از نوع مختلف
- ماده ۶۹۴ - هرکس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لاقلاً یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می شوند.
- برای شمول ماده فوق ورود به خانه یا مسکن باید با عنف یا تهدید صورت گیرد.
- ورود با حیله و تقلب از روی دیوار یا در باز را نمی توان مشمول ماده فوق الذکر (ورود به عنف) دانست.
- عنف یا تهدید باید برای ورود به منزل صورت گیرد نه برای ادامه مسیری که بدون عنف وارد شده. مثلاً سارقی که بدون عنف و به صورت پنهانی وارد منزل دیگری شده و بعد از بیدار شدن صاحب خانه با او گلاویز می شود تا وی نتواند او را از منزل بیرون کند که در این صورت مشمول این ماده نخواهد شد.
- هرگاه کسی به عنف یا تهدید وارد منزل خودش که دیگری آن را غصب کرده است شود مشمول ماده نخواهد شد ولی اگر موجر به عنف وارد خانه ای که مستاجر آن را تصرف کرده و بیش از موعد در آن مانده است شود با همین ماده مجازات خواهد شد.
- ماده ۶۹۴ ق.م.ا مجازات مرتکبانی که دو نفر یا بیشتر بوده یا اقلأ یکی از آنها حامل سلاح (سرد یا گرم، ظاهر یا مخفی و پر یا خالی) باشد تشدید کرده است.
- سلاح بدلی و تقلبی مشمول تشدید نیست.



### ۱. تهدید به قتل یا ضررهای دیگر:

➤ ماده ۶۶۹ - هرگاه کسی دیگری را به هرنحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

➤ هر گاه تهدید به ضررهای کوچک و قابل اغماض باشد (بنابه قضاوت عرف) این جرم محقق نمی شود.  
➤ خواسته تهدیدکننده مهم نیست و حتی ممکن است هیچ درخواستی اعم از مال و انجام یا ترک انجام کار را نخواسته باشد.

➤ رسیدن تهدیدکننده به خواسته اش مهم نبوده لذا این جرم مطلق است.  
➤ مرتکب باید عمد در تهدید بوده و از اینکه تهدید وی موجب ناراحتی و نگرانی طرف مقابل خواهد شد آگاه باشد.

➤ انگیزه مرتکب موثر در تحقق جرم نبوده و از باب ماده ۲۲ ق.م.ا قابل بحث خواهد بود.  
➤ تهدید می تواند به شکل غیرمستقیم و از طریق شخصی دیگر انجام شود مثلاً «الف» با علم به اینکه «ب» مطلب تهدیدآمیز را به «ج» منعکس خواهد کرد مطلب خود را عنوان دارد.

➤ تهدید باید صراحت داشته و به سمع طرف مقابل هم رسیده باشد.  
➤ اگر اعمال خشونت در تهدید فوری بوده و منجر به بردن مال منجر شود، ممکن است جرم «سرقت مقرون به آزار و تهدید» ارتکاب یابد. (که جرمی مقید است نه مطلق)

➤ تهدید مختص اشخاص حقیقی بوده و شامل اشخاص حقوقی نمی شود.

### ۲. اخذ نوشته یا سند با تهدید:

➤ ماده ۶۶۸ - هرکس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضاء و یا مهر نماید و یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او یا سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد به حبس از سه ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

➤ این جرم برخلاف مورد قبلی جرمی مقید می باشد.

➤ یعنی عمل مرتکب باید منتهی به اخذ نوشته یا سند شود ولی اخذ اموال دیگر از شمول ماده خارج است.

➤ سند یا نوشته‌ی اخذ شده باید ارزش مادی یا معنوی داشته باشد.

➤ صرف تعلق سند یا نوشته به خود مرتکب موجب خروج عمل از شمول ماده ۶۶۹ نمی شود.

➤ از لحاظ عنصر روانی عمد در جبر و اکراه و نیز وجود قصد خاص اخذ نوشته یا سند در مرتکب ضروری است.

➤ بند «د» ماده ۸۲ ق.م.ا: زنا به عنف و اکراه که موجب قتل زانی اکراه کننده است.

➤ در مورد سایر جرایم جنسی مانند لواط، تفخیز و ... که مرتکب مکروه است فرقی با مرتکبین غیرمکره ندارد جز اینکه در موارد اکراه مجازات متوجه مکروه خواهد بود و مکروه معاف از مجازات خواهد بود.

➤ اکراه شدن زن از سوی مرد به زنا موجب تشدید مجازات مرد زانی تا حد قتل عنوان شده است در حالی که اکراه شدن مرد توسط زن به زنا همان مجازات زنا با توجه به محصنه بودن یا نبودن بر زن اعمال می گردد.

(ر.ک: جلد ۱ میرمحمدصادقی / صفحه ۵۰۰)

➤ منظور از عنف و اکراه تنها خشونت آمیز بودن عمل نیست بلکه در موارد مختلفی همین که زطرف مقابل از نظر قانون ناراضی محسوب شود عنف و اکراه تحقق می یابد.

- ماده ۵۸۳ - هرکس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.
- جرم موضوع این ماده توسط همه افراد قابل ارتکاب است.
- زندانبانی که بر خلاف موازین قانونی شخص زندانی را داخل دستشویی زندان حبس میکند مشمول این ماده خواهد بود.
- تفاوت حبس و توقیف در مدت زمان و مکان حبس است به طوری که «حبس» برای مدت نسبتاً طولانی و در مکانی معین و محصور اعم از خانه و ... بوده لیکن «توقیف» برای مدت کمتر بوده و لزوماً در مکان محصور هم نمی باشد. مثل عمل فردی که با جعل عنوان سرنشینان خودروپی را کنار جاده نگه داشته و اجازه حرکت به آنها نمی دهد.
- موضوع این جرم مستمر و عمدی می باشد لذا سوء نیت مرتکب شرط به وجود آمدن این جرم است و کسی که در هنگام خوابگردی در اتاقی را بروی مهمان خود قفل می کند خارج از این ماده بوده و از عوامل رافع مسئولیت کیفری محسوب خواهد شد ولی انگیزه مرتکب تاثیری در مسئولیت کیفری وی ندارد مگر از باب ماده ۲۲ که انگیزه شرافتمندانه از موارد تخفیف قضایی (نه قانونی) شمرده می شود.
- ماده ۵۸۴ - کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.
- با توجه به اینکه ماده فوق الذکر صرفاً در خصوص تهیه مکان برای مباشر است لذا در خصوص سایر مصادیق معاونت، باید به ماده ۷۲۶ مراجعه کرد که عنوان می دارد:
- ✓ ماده ۷۲۶ - هرکس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می شود.
- ماده ۵۸۵ - اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود.
- اگر غیر از مورد فوق، جهات مخفیه دیگری باشد قاضی با توجه به ماده ۲۲ می تواند آن را هم لحاظ کند.
- ماده ۵۸۷ - چنانچه مرتکب جرایم مواد قبل، توقیف شده یا محبوس شده یا مخفی شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به یک تا پنج سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد. (ظاهراً این ماده صرفاً در خصوص مباشر است.)
- ماده ۵۷۰ - هریک از مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.
- افراد مورد شمول این ماده کلیه مأموران وابسته به دستگاه های حکومتی می باشد که با استفاده از بسمت خود مرتکب جرم موضوع این ماده می شوند.
- انفصال مذکور در ماده که حسب نظر دادگاه از یک تا پنج سال می باشد شامل کلیه مشاغل حکومتی می شود نه دستگاهی که در آن مرتکب این جرم شده است.

➤ ماده ۶۲۱ - هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را بر بایده یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می گردد.

➤ تبصره - مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است. (مثلاً فردی که دیگری را هنگام به زور سوار کردن به ماشینش دستگیر شود).

➤ با توجه به عبارت « یا به هر منظور دیگر » این جرم نیازمند سوء نیت خاص نمی باشد.

➤ موارد تشدید مجازات آده (رایی):

مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم می شود.

در این سه حالت:

- ✓ سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد
- ✓ ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد
- ✓ به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود

➤ در جرم آدم ربایی بر خلاف جرم حبس غیرقانونی، قربانی باید بدون رضایت خویش جابجا شود.

➤ رضایت اولیه قربانی برای جابجا شدن و تغییر مسیر دادن ثانوی توسط مرتکب (برخلاف میل قربانی)، موجب از بین رفتن عنوان آدم ربایی نمی شود.

➤ رضایت ناشی از خدعه و فریب در حکم عدم رضایت می باشد.

➤ هر کس دیگری را با ترغیب و دادن وعده هایی طرف مقابل را با خود همراه سازد صرف عدم انجام وعده موجب تحقق این جرم نیست.

➤ مباشرت مجرم شرط مجازات وی در جرم آدم ربایی نبوده و بنابه تصریح ماده، این جرم می تواند توسط دیگری هم ارتکاب یابد.

➤ در این حالت «دیگری» یا باید فاقد مسئولیت کیفری باشد (مثل مجنون یا صغیر غیرممیز) و یا از ماهیت فعل ارتكابی برای شخص آدم ربا جاهل باشد. (مثلاً کودکی را به جای فرزند خود وانمود کرده و از راننده بخواهد که کودک را از جلوی مدرسه نزد او ببرد.) که همه ی اینها سبب اقوی از مباشر محسوب می شود.

➤ در خصوص تشدید مجازات آدم ربا هنگامی که به قربانی آسیب جسمی و حیثیتی وارد می شود، این آسیب باید در نتیجه ی آدم ربایی باشد (رابطه ی علیت) و اگر قربانی مثلاً به علت وقوع زلزله در محلی که نگهداری می شود مجروح شود محملی برای تشدید مجازات آدم ربا وجود نخواهد داشت.

➤ ماده ۶۳۱ - هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را بجای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

کله ماده فوق نشانگر آن است که طفل تازه متولد شده مشمول ماده مربوط به آدم ربایی نبوده و به طور خاص جرم انگاری گردیده است.

# پایان حقوق جزای اختصاصی ۱

( جانایات علیه تمامیت جسمانی اشخاص )

یا رسول الله این جزوه را روز غم انگیز رحلتت به اتمام رساندم

با استمداد از تو و فرزندان حسن مجتبی (ع) و حضرت امام رضا (ع) دو پاره ی تنت که شهادت آنها هم مصادف با روز وفات توست از شما میخواهم تا واسطه ی بین من و خدا باشید تا این اثر ناچیز به نحو احسن کمک خوانندگان این مجموعه باشد.

گرچه حسن حرزیت با آب زهر شهید شد ولی لا یوم کیوم الحسین که در کنار آب فرات لب تشنه دلها را ویران کرد و رفت.

روز وداع حسنت گرچه غم انگیزترین است

لیک آن غم و اندوه حسین روز غمین است

با آب گُشَد آن زن بی مهر و وفایش

بی آب شود تشنه و آن روز چه دین است؟

جانا به سحر سوز که عباس برادر

لب تشنه رود مهر و وفا، بس که همین است

شعری از: امین بخشی زاده تقدیم به ارواح پاک حضرت امام حسن و حسین و حضرت قمر منیر بنی هاشم علیهم السلام